

اشاره:

تنوع بخشیدن به صادرات و رهایی از وابستگی به ارز حاصل از صدور نفت، به سرمایه‌گذاری برای توسعه صادرات محصولات صنعتی نیاز دارد. کالاهای صنعتی به جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر برای اقتصاد کشور، اشتغال و ... از اهمیت به‌سزایی در تجارت جهانی برخوردارند. برای اقتصاد ایران که ضرورت جداسدن از ارز حاصل از نفت به‌صورتی حیاتی مطرح می‌باشد، رشد صادرات محصولات صنعتی و نفوذ در بازار جهانی این کالاها، اهمیت دارد.

با وجود سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی که از ابتدای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تاکنون در بخش صنعت صورت گرفته است، این بخش نتوانسته جایگاه واقعی خود را در مجموعه صادرات کشور پیدا کند و به‌همین جهت بازنگری در سیاست‌های آن به‌منظور تقویت صادرات صنعتی ضروری است.

در این گزارش به وضعیت تراز ارزی صنعت، ضعف‌ها و نقاط قوت این بخش می‌پردازیم. امید آن‌که بتوان راهکارهای مناسبی را برای افزایش سهم صادرات محصولات صنعتی ایران در بازار جهانی یافت.

در سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ به‌طور متوسط سالانه ۴ میلیارد دلار ارز، جذب و هزینه کرده است. با تأکید دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور بر استفاده بیشتر از منابع داخلی و نیز ساخت داخل کردن بخشی از ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز صنعت، ارزیابی واحدهای تولیدی در سال‌های ۷۵-۱۳۷۳ به متوسط سالانه ۳/۱ میلیارد دلار کاهش یافت.

این گزارش می‌افزاید: ارزش صادرات کالاهای صنعتی از متوسط سالانه ۲۵۴ میلیون دلار در برنامه اول به ۹۱۷ میلیون دلار در سال‌های ۷۵-۷۳ افزایش داشت.

به این ترتیب تراز ارزی صنعت از متوسط سالانه ۳/۷ میلیارد دلار کسری در برنامه اول، به متوسط سالانه ۲/۲ میلیارد دلار کسری در سال‌های ۷۵-۷۳، بهبود نشان می‌دهد. با این حال هنوز تا رسیدن به نقطه سر به سر (یا تراز صفر) در تجارت صنعت، فاصله زیادی وجود دارد.

تراز ارزی صنعت به‌زودی مثبتی نمی‌شود

موازنه ارزی صنعت (ارزبری و ارزآوری)

سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از ابتدای اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تاکنون، بیشتر بر مبنای تأمین نیازهای داخلی شکل گرفته است.

در این راستا سرمایه‌گذاری‌های مناسبی در هشت سال اخیر از سوی بخش‌های دولتی و خصوصی صورت گرفته و بخش قابل‌توجهی از نیازمندی‌های بازار نیز از محل تولیدات داخلی، تأمین شده است.

با این روند، محصولات صنعتی هنوز جایگاه مناسبی در بازارهای خارجی نیافته‌اند و واحدهای تولیدی نتوانسته‌اند به آن اندازه که از منابع ارزی کشور استفاده می‌کنند، ارزآوری برای اقتصاد ملی داشته باشند.

گزارش وزارت صنایع حاکی است، بخش تولیدات صنعتی

روند موازنه ارزی صنایع حوزه مسؤلیت وزارت صنایع

واحد: میلیون دلار

درصد تغییرات	۱۳۷۳-۷۵		۱۳۶۸-۷۲		شرح
	متوسط دوره	جمع دوره	متوسط دوره	جمع دوره	
-۲۳	۳۱۰۰	۹۲۰۰	۴۰۰۰	۲۰۰۰۰	واردات (برای تولید)
+۲۶۱	۹۱۷	۲۷۵۰	۲۵۴	۱۲۷۰	صادرات
-۲۲	۲۱۸۳	۶۵۵۰	۳۷۴۶	۱۸۷۳۰	خالص واردات (برای تولید)

○ با روند کنونی، محصولات صنعتی نمی‌توانند جایگاه مناسبی در بازارهای خارجی و نظام اقتصادی - بازرگانی کشور پیداکنند، زیرا بیشتر به تأمین نیازهای بازار داخلی اکتفا می‌کنند.

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، در برنامه اول در مجموع ۲۰ میلیارد دلار صرف واردات نیازهای صادرات کشور برای تولید کالاهای صنعتی شد که متوسط سالانه آن رقمی معادل ۴ میلیارد دلار است.

اگر صادرات محصولات صنعتی که در برنامه اول در مجموع به یک میلیارد و ۲۷۰ میلیون دلار بالغ شد، را وارد این محاسبه کنیم، مشخص می‌گردد که بخش صنعت به‌طور خالص ۱۸ میلیارد و ۷۳۰ میلیون دلار از منابع ارزی کشور را جذب کرده است.

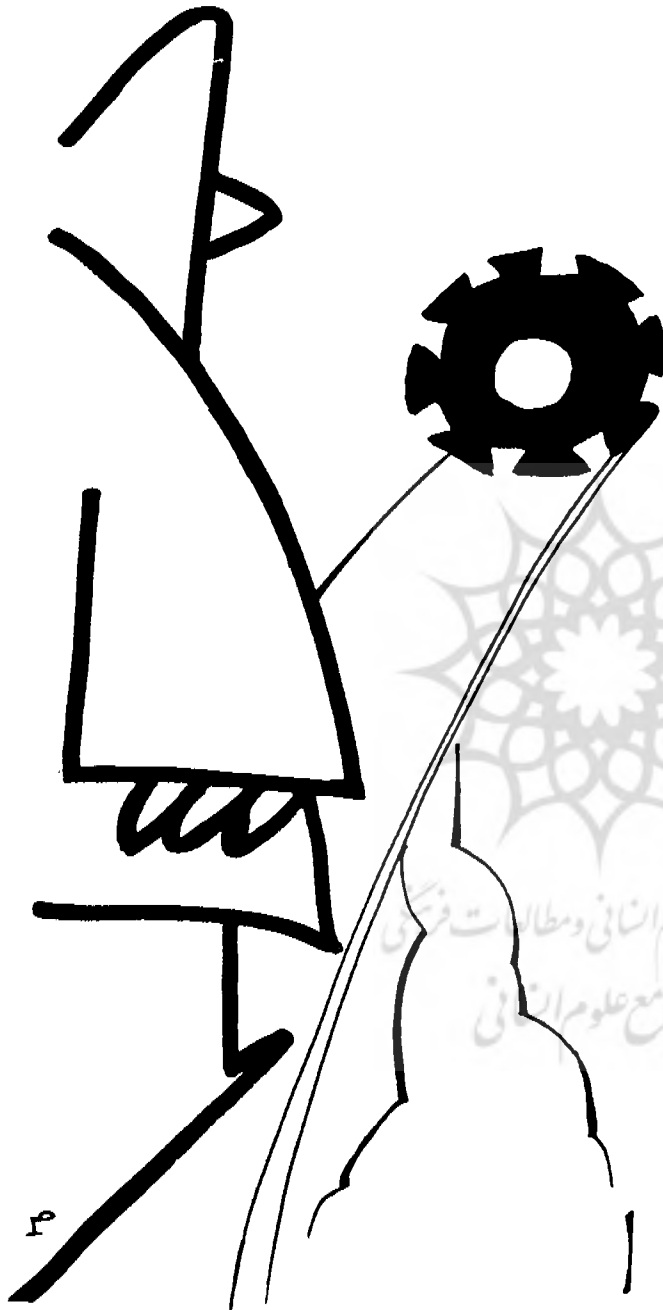
واردات نیازمندی‌های بخش صنعت در سال‌های ۷۵-۷۳ تا حدودی تقلیل یافت و به ۹/۳ میلیارد دلار (یا متوسط سالانه ۲/۱ میلیارد دلار) رسید که چنانچه ارزش صادرات محصولات این بخش در سه‌ساله موردبیت به میزان ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار را وارد محاسبه نماییم، ارزش خالص واردات صنعت یا به عبارتی کسری تراز تجارت صنعت در مجموع به ۶ میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار (یا به‌طور متوسط سالانه ۲ میلیارد و ۱۸۳ میلیون دلار) بالغ می‌شود.

اگرچه مقایسه ارقام، بهبود در بخش ارزی تراز صنعت را نشان می‌دهد، لیکن تارسیدن صادرات بخش صنعت به‌حد واردات آن، زمان و تلاش بیشتری می‌طلبد.

از آن‌جا که بخش صنعت می‌بایست خود منبعی برای کسب درآمد ارزی کشور باشد، تلاش برای رشد صادرات صنعتی الزامی است.

به عقیده کارشناسان، نیازهای ارزی کشور سالانه به‌حدود ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد و چنانچه فقط نیمی از این مبلغ بخواهد از بخش صنعت تأمین گردد، ارزش صادرات محصولات صنعتی نسبت به سال گذشته باید شش برابر شود. (ارزش صادرات کالاهای صنعتی در سال ۷۵ به ۱/۷ میلیارد دلار رسید).

این کارشناسان اعتقاد دارند که با ثبات شرایط کنونی، برای شش برابرکردن صادرات محصولات صنعتی، رشد سالانه ۵۰ درصدی ارزش صادرات محصولات این بخش در



پنج سال آینده، ضرورت دارد.

اگر ارزش صادرات محصولات صنعتی در سال‌های ۷۶-۷۸ به‌طور متوسط از رشد سالانه ۵۰ درصد برخوردار نگردد، نمی‌توان به هدف برنامه دوم (رسیدن به رقم ۵/۹ میلیارد دلار صادرات صنعتی در سال ۷۸) دست یافت.

○ کسری تراز تجاری محصولات صنعتی از ۳/۷ میلیارد دلار در برنامه اول به ۲/۲ میلیارد دلار در سال‌های ۷۵-۷۳ تقلیل یافت. تا رسیدن به نقطه سر به سر، فاصله زیادی است.

این گروه اعتقاد دارند که گرچه دستیابی و رشد سالانه ۵۰ درصدی محصولات صنعتی صادراتی چندان آسان نمی‌باشد و به تغییرات و تحولات اساسی در مبنای درونی اقتصاد کشور و تلاش وسیع برای بازاریابی خارجی نیاز دارد، اما غیرممکن نمی‌باشد.

کارشناسان، بازرنگری در سیاست‌های برنامه دوم در بخش صنعت با تغییر دیدگاه از تأمین نیازهای داخلی به تولید کالاهای صادراتی همراه با لحاظ نمودن مزیت نسبی در سرمایه‌گذاری‌های جدید صنعتی را ضروری می‌دانند.

این کارشناسان با انتقاد از موانع اداری و تشریفات حاکم بر فعالیت‌های صنعتی و نیز استفاده از منابع بانکی، می‌گویند: این موانع سبب می‌شود که اجرای طرح‌های صنعتی از زمان تهیه زمین تا بهره‌برداری، به‌طور متوسط ۲ سال به‌طول انجامد.

خواب سرمایه در این مدت بالنسبه طولانی برای سرمایه‌گذاران، نه‌تنها علاقه و انگیزه برای سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، بلکه منجر به آن می‌شود که در مرحله تولید نیز بازدهی سرمایه‌گذاری، با وجود فشارهای تورمی و کاهش ارزش پول، قابل‌توجه نباشد.

این کارشناسان می‌گویند: اگر هدف دولت رشد صادرات صنعتی است، باید از دو دیدگاه به قضیه توجه خاص داشته باشد.

اول آنکه راه‌های حضور فعالان صنعتی در بازارهای خارجی را باز کند، به‌گونه‌ای که سود ناشی از تولید و صدور کالاهای صنعتی به‌مراتب بیش از هرفعالیت مولد و غیرمولد اقتصاد باشد.

دوم آن‌که هدایت جریان سرمایه‌گذاری به سمت تولید کالاهای صنعتی صادراتی را با دقت و وسواس انجام دهد تا طرح‌های سرمایه‌گذاری در مرحله تولید بتوانند از مزایای حضور در بازارهای جهانی بهره‌مند شوند.

یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه اقتصادی کشور به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رشد صادرات غیرنفتی و رهایی از وابستگی شدید به درآمدهای حاصل از فروش نفت بوده است. با این حال در راه دستیابی به این آرمان مقدس، قدم‌هایی که برداشته شده، تاکنون اثربخشی کافی نداشته است. لذا ایجاد تغییرات بنیادین برای رشد صادرات غیرنفتی به‌ویژه محصولات صنعتی ضروری است.

ترکیب صادرات غیرنفتی ایران از دیرباز به دو گروه سنتی و صنعتی تقسیم شده است. کالاهای سنتی مانند فرش دستباف، محصولات کشاورزی، مواد خام معدنی و... بوده، و کالاهای صنعتی از قبیل محصولات کانی فلزی، نساجی و پوشاک، محصولات صنایع غذایی، شیمیایی، فلزی و... را شامل می‌شده است.

بنابر گزارش رسمی وزارت صنایع، صادرات کالاهای سنتی به‌طور طبیعی دیگر جایگاه عمده‌ای در تأمین درآمدهای ارزی موردنیاز اداره کشور ندارد و لذا نقطه اتکاء درآمدهای کشور به‌جز فروش نفت، باید در درازمدت بر بخش تولیدات صنعتی استوار باشد و در این زمینه، هنوز در قدم‌های اولیه می‌باشیم.

این گزارش می‌افزاید: صنعت، بخش مهم اقتصاد کشور است و جایگاه والایی در شکوفایی آن دارد. این شکوفایی در گرو بهبود و افزایش صادرات غیرنفتی است که رشد آن نیز در گرو شکوفایی صنعت می‌باشد.

○ در برنامه اول بخش صنعت ۲۰ میلیارد دلار ارزش هزینه کرد و فقط ۶ میلیارد دلار صادرات داشت، اما در سه سال گذشته هزینه ارزی این بخش به ۹/۳ میلیارد دلار و درآمد آن به ۲/۷۵ میلیارد دلار رسید.

بر اساس گزارش این وزارتخانه، سهم صادرات محصولات صنعتی در صادرات غیرنفتی کشور از ۷/۶ درصد در سال ۶۳ (با نوسان‌های مختلف) به ۵۴ درصد در سال گذشته رسید.

سهام بخش صنعت در ترکیب صادرات غیر نفتی

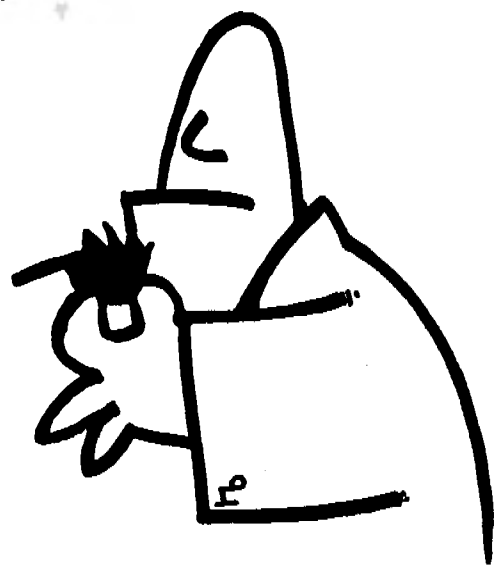
سال	ارزش صادرات صنعتی (میلیون دلار)	ارزش کل صادرات غیر نفتی (میلیون دلار)	سهام صنعت در صادرات غیر نفتی (درصد)
۱۳۶۳	۲۷/۳	۳۶۱	۷/۶
۱۳۶۴	۶۴	۲۶۵	۱۳/۸
۱۳۶۵	۱۰۹/۹	۹۱۵/۵	۱۲
۱۳۶۶	۱۳۱/۸	۱۱۶۰/۸	۱۱/۴
۱۳۶۷	۲۳۲/۷	۱۰۳۵/۸	۲۲/۴
۱۳۶۸	۱۲۲/۶	۱۰۴۳/۹	۱۱/۷
۱۳۶۹	۲۴۱/۵	۱۳۱۲/۵	۱۸/۴
۱۳۷۰	۶۶۰	۲۶۴۸/۷	۲۴/۹
۱۳۷۱	۹۷۰/۹	۲۹۸۷/۷	۳۲/۵
۱۳۷۲	۱۱۹۰	۳۷۴۶/۸	۲۶/۸
۱۳۷۳	۱۲۲۵/۲	۴۸۲۴	۲۷/۵
۱۳۷۴	۱۳۰۰	۳۲۳۴	۴۰
۱۳۷۵	۱۷۰۰	۳۱۷۰	۵۴

○ نیازهای ارزی کشور سالانه ۲۰ میلیارد دلار است. اگر قرار باشد فقط نیمی از آن با صدور کالاهای صنعتی تأمین شود، باید ارزش صادرات محصولات صنعتی به شش برابر سال گذشته برسد.

بررسی جدول نشان می‌دهد که در سیزده سال گذشته، ارزش صادرات محصولات صنعتی بیش از ۶۲ برابر شده است، اما در پنج سال گذشته وضعیت اسفبار است. یعنی در این مدت ارزش صادرات محصولات صنعتی حتی دوبرابر نشده است. اگر روند پنج سال گذشته در پنج سال آینده ادامه یابد، حتی در سال ۱۳۸۰ به رقم ۴ میلیارد دلار درآمد از صدور کالاهای صنعتی نخواهیم رسید. بنابراین تحرک تازه‌ای برای رشد صادرات صنعتی لازم است.

ارزش کل صادرات غیر نفتی در سیزده سال گذشته تقریباً ۹ برابر شده است. در مقایسه با ۶۲ برابر شدن صادرات محصولات صنعتی، نقش عمده بخش صنعت در تأمین درآمدهای ناشی از صادرات غیر نفتی مشخص می‌گردد.

در بررسی آمار صادرات غیر نفتی در پنج سال گذشته، مشاهده می‌شود با وجود آنکه در سال ۱۳۷۳ این رقم به حداکثر ۴/۸ میلیارد دلار رسید، اما در سال ۷۵ ارزش صادرات



غیرنفتی فقط ۶ درصد بیش از سال ۱۳۷۱ بود. در این مقایسه نیز مشخص می‌گردد که با وجود رشد ۶ درصدی مجموعه صادرات غیرنفتی، صادرات صنعت در همین مدت ۷۵ درصد بوده است.

مقایسه ارقام صادرات غیرنفتی و صادرات بخش صنعت گواهد بر آن است که کالاهای صنعتی نقش قوی‌تری در مجموعه محصولات غیرنفتی به دست آورده‌اند، اما با توجه به نقش اصلی که باید در این مجموعه و نیز در کل درآمدهای ارزی کشور ایفا کنند، ضعیف عمل کرده‌اند.

کارشناسان اقتصادی برای تحرک بخشیدن به رشد صادرات محصولات صنعتی، ایده‌های مختلفی ارائه می‌دهند که جمع‌آوری نظرات آنها از سوی کارشناسان نشریه «بررسی‌های بازرگانی» موارد زیر را شامل می‌شود:

با وجود آنکه در مجموعه سیاست‌های بخش صنعت در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، موضوع توسعه صادرات مطرح شده و فعالیت‌هایی برای دستیابی به اهداف برنامه در زمینه صادرات محصولات صنعتی، مورد تأکید قرار گرفته است، اما این موارد کافی نیست و تاکنون نیز برخی موارد مطروحه در حد قابل قبول به اجرا در نیامده است.

○ اگر در سال‌های ۷۸-۷۶ میانگین رشد سالانه ارزش صادرات محصولات صنعتی ۵۰ درصد باشد، نمی‌توان به هدف برنامه (۵/۹ میلیارد دلار صادرات صنعتی در سال ۷۸) دست یافت.

در سیاست توسعه صادرات محصولات صنعتی، برقراری حمایت‌های قانونی و مالی منظور شده است، اما این حمایت‌ها تاکنون ضعیف بوده است. در حالی که صادرات فرش دستباف برای صادرکننده این حق را ایجاد می‌کند که در واقع تمام درآمد ارزی خود را به دست آورد، برای صادرکننده محصولات صنعتی که ارزش افزوده بیشتری برای اقتصاد ملی به وجود می‌آورد، فقط برخورداری از ۵۰ درصد ارزش حاصل از صادرات میسر می‌باشد.

اگر قرار باشد، صادرات محصولات صنعتی مدنظر باشد، دست‌کم باید امتیازات مساوی برای صدور کالاهای غیرنفتی منظور گردد.

باید در نظر داشت که آزادسازی تجارت در سال‌های

۷۳-۷۰ منجر به آن شد که ارزش صادرات کالاهای صنعتی از ۶۶۰ میلیون دلار در سال ۷۰ به یک میلیارد و ۱۲۲۵/۲ میلیون دلار در سال ۷۲ برسد و پس از آن نیز همچنان سیر صعودی را طی کند. در حالی که مقررات مربوط به سپردن پیمان ارزی، ارزش کل صادرات غیرنفتی را از ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۷۳ به حدود ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۷۵ کاهش داد. لذا توجه به این نکته ضروری است که صدور کالاهای صنعتی همچنان از وضعیت باثبات‌تری نسبت به دیگر کالاهای غیرنفتی برخوردار است.

با این وصف باز کردن فضا برای رونق صادرات محصولات صنعتی و حمایت واقعی از صادرکنندگان این‌گونه کالاها در چارچوب حمایت قانونی و مالی که در قانون برنامه دوم نیز تصریح شده، ضروری است.

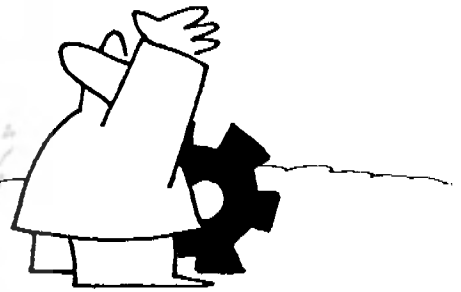
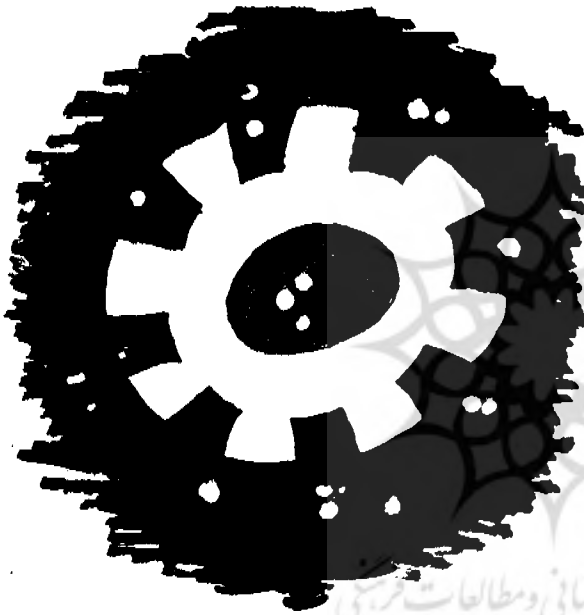
در زمینه تأمین تسهیلات اعتباری برای صادرکنندگان که در برنامه دوم تصریح شده است، تاکنون اقدام مؤثری صورت نگرفته است. نظام بانکی تحت تأثیر تبصره‌های تکلیفی در قوانین بودجه سالانه کشور، قادر به تأمین نیازهای متقاضیان سرمایه به‌ویژه صادرکنندگان نمی‌باشد. دسترسی به منابع سرمایه در بازار آزاد نیز با دشواری و نرخ سود بسیار بالا، در واقع غیرممکن است. به‌طور کلی با نرخ سودی که برای تسهیلات بازرگانی و صادراتی حداقل در نظام بانکی اعمال می‌شود، این تصور وجود دارد که صادرکننده کالا آنچنان سودی از بازارهای خارجی به دست می‌آورد که باید بانک‌ها و یا دیگر منابع از آن محروم نمانند.

○ تشریفات اداری زاید و مشکلات دسترسی به منابع بانکی، سبب می‌شود که اجرای طرح‌های صنعتی به‌طور متوسط ۲ سال طول بکشد. این مدت خواب سرمایه، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت را از بین می‌برد.

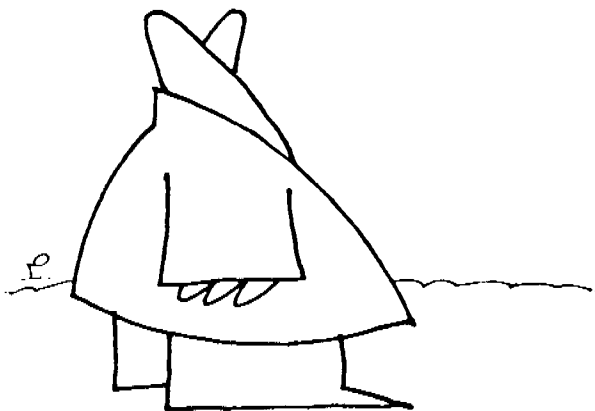
اولاً برای آنکه صادرات غیرنفتی و به‌ویژه محصولات صنعتی از رشد قابل توجه برخوردار باشد لازم است که سود فعالیت صادرکنندگان درخور توجه باشد تا انگیزه حضور در بازارهای خارجی، تبلیغات و بازاریابی و... به وجود آورد.

ثانیاً تسهیلات مورد نیاز صادرکنندگان در کوتاه‌مدت و نرخ سود مناسب ارائه شود تا آنها با برخورداری از این

بانک مرکزی در تخصیص ارز موردنیاز آنها با توجه به کمبود نقدینگی واحدهای صنعتی، تنگنایی است که باید برطرف شود. ایجاد تشکلهای صادراتی و وابسته نمودن واحدهای صنعتی به این تشکلهای برای جریان ارزی می‌تواند به شکل مناسبی ارز موردنیاز صنایع را از صادراتشان تأمین کند. توجه به این نکته ضروری است که مدیران واحدهای تولیدی (اعم از دولتی یا خصوصی) غالباً صادرکننده خوبی نیستند. صادرات یک کار تخصصی بازرگانی است که لزوماً مدیریت تولیدی نمی‌تواند به این تخصص بالا مجهز باشد. لذا تشکلهای صادراتی برای بخش صنعت در بازاریابی و گسترش فروش خارجی این بخش مؤثر خواهد بود.



شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تسهیلات، بتوانند حوزه فعالیت خود را وسعت دهند تا کالاهای بیشتری به خارج از کشور ارسال شود.

آزادسازی واقعی جریان تجارت خارجی با بهره‌مندی صادرکنندگان از تمامی ارز حاصل از صادراتشان به رونق صادرات محصولات صنعتی کمک می‌کند و انگیزه برای ارسال کالا به بازارهای خارجی را تقویت می‌نماید.

از سوی دیگر استفاده از اهرم واردات برای توسعه صادرات صنعتی از مواردی است که در قانون برنامه دوم منظور شده است، اما عملکرد این بخش چندان قوی نیست. وابستگی صنایع به دریافت ارز از منابع دولت و سخت‌گیری

موافقت‌نامه‌های سه‌جانبه‌ای که میان ایران و برخی کشورهای آسیای میانه منعقد شده است، چنین مواردی به چشم می‌خورد، اما ضعف اطلاعاتی و فاصله میان صادرکننده با وزارت بازرگانی و صنایع، سبب می‌شود که از این‌گونه موافقت‌نامه‌ها نیز نتوان در حد قابل‌قبول بهره‌مند شد و به یاری توسعه صادرات صنعتی آمد.

○ ارزش صادرات محصولات صنعتی در ۱۳ سال گذشته بیش از ۶۲ برابر شد، اما از پنج سال گذشته حتی دو برابر نشده است. ادامه این روند سبب می‌شود که حتی در سال ۱۳۸۰ به ۴ میلیارد دلار صادرات صنعتی دست نیابیم.

وابسته‌های بازرگانی سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور در زمینه معرفی صادرات صنعتی تاکنون بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. اعزام کارشناسان بازرگانی مطلع نسبت به توانمندی‌های صنعت کشور با عنوان وابسته بازرگانی، اهمیت بسزایی دارد. در حال حاضر این افراد فعالیت بسیار ناچیزی دارند که از ضعف اطلاعات و بی‌انگیزه‌ای آنها ناشی می‌شود. می‌توان سهمی از قراردادهای صادراتی را به‌عنوان جایزه به این گروه تخصیص داد تا در عقد قراردادهای موردبحث میان صادرکنندگان محصولات صنعتی و مشتریان خارجی، بیش از پیش فعال شوند.

با وجود آنکه بخشی از سیاست‌های توسعه صادرات صنعتی که در برنامه دوم منظور شده، تاکنون عملی شده است، اما با ضعف‌های موجود، نمی‌توان به عملکرد آتی این بخش چندان خوش‌بین بود.

با تقویت این‌گونه تشکلهای وابسته نمودن مدیریت تولید به آنها برای تأمین ارز موردنیاز واحدهای صنعتی در کنار تأمین به‌موقع تسهیلات بانکی برای صادرکنندگان، می‌تواند تحرکی را در بخش تولید و تجارت محصولات صنعتی به‌وجود آورد.

در حال حاضر مدیران بخش‌های تولید و صادرات، اطلاعات کافی و به‌هنگام از وضعیت بازارهای خارجی محصولات صنعتی ندارند. جدایی تشکل صنعت از بازرگانی خارجی سبب شده است که نظام اطلاع‌رسانی از بخش بازرگانی به صنعت از انسجام، سرعت و دقت کافی برخوردار نباشد. به همین جهت بسیاری از فرصت‌های تجاری که می‌تواند گره‌گشای صادرات محصولات صنعتی باشد، از دست می‌رود. پیوستگی بیشتر میان این دو نهاد ضرورتی است که باید در تشکیلات دولت موردنظر و توجه قرار گیرد.

○ برای رشد صادرات صنعتی، بازکردن راه‌های نفوذ به بازارهای خارجی، سودآوری قابل‌قبول صدور کالاهای صنعتی و هدایت جریان سرمایه‌گذاری به تولید کالاهای صادراتی، الزامی است.

بسیاری از کشورهای صنعتی، در حال حاضر با اعطای تسهیلات اعتباری (تضمین صادرات) به خریداران خارجی، صادرکنندگان خود را حمایت می‌کنند و بازارهای فروش خود را توسعه می‌دهند. اما در ایران به لحاظ منابع اندک صندوق تضمین صادرات، پوشش‌های بیمه‌ای و اعطای تسهیلات اعتباری به خریداران خارجی، به‌کندی صورت می‌گیرد. با اعطای تسهیلات اعتباری به مشتریان خارجی، امکان خرید اقساطی برای آنها فراهم می‌شود، ضمن آنکه روند رشد صادرات محصولات صنعتی نیز ادامه پیدا خواهد کرد.

اگر رشد صادرات صنعتی مدنظر باشد، دولت می‌تواند با رایه تسهیلات مناسب به صندوق تضمین صادرات، دست‌کم در بخش صنعت، این امر را محقق سازد.

در حال حاضر تسهیلات اعطایی به خریداران خارجی اندک می‌باشد و بیشتر برای کشورهای آسیای میانه فراهم می‌شود. این کشورها خود کالاهای قابل‌صدور به ایران دارند که می‌توان با گسترش مناسبات با کشورهای موردبحث و تبادل کالا، روند توسعه صادرات را تداوم بخشید. در

